

سیره فقهای شیعه در دفاع از فلسطین

محمودرضا محمد دوست (ایران)^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷

چکیده

تشکیل حکومت اشغالگر اسرائیل از نقشه‌های اسلام‌ستیزانه جبهه استکبار خصوصا انگلیس به شمار می‌رود. دولت نامشروع اسرائیل که خود را تحت لوای دین یهود و حتی به نام "ملت برگزیده خدا" پنهان می‌نماید، با غصب سرزمین مادری فلسطینیان و سلب حقوق اولیه ایشان، در آرزوی توسعه بیشتر و تحقق آرمان شیطانی تسخیر سرزمین "نیل تا فرات و دجله" برآمده و با روش‌های گوناگون در پی سرکوب آزادیخواهی و استقلال‌طلبی فلسطینیان و بلکه نابودی کیان اسلامی برآمده، از این رو تهدیدی جدی برای تمدن اسلامی محسوب می‌شود. بدین منظور، نوشتار حاضر با بررسی سیره فقهای شیعه و تشریح آن به تبیین تاثیرات پیشگامی و پرچمداری ایشان در وجوب دفاع از مسلمانان ستم‌دیده فلسطین و تاثیر فتاوی ایشان در مبارزه با اسرائیل و حامیان منطقه‌ای و غربی آن پرداخته و از همین رهگذر بر تداوم آن تا حصول آزادی قدس و استرداد اراضی غصب شده تأکید کرده است. مرجعیت شیعه همواره مدافع وحدت عملی مذاهب اسلامی، برای تشکیل امت‌واحد در برابر دشمن مشترک صهیونیستی بوده، چنان‌که سکوت در مقابل وحشی‌گری‌های صهیونیست‌ها را، شراکت در جرم ایشان دانسته که آثار زیانبار روحی روانی به دنبال خواهد داشت.

مقدمه

۱ استاد مدعو - استادیار - گروه فقه و اصول - دانشکده فقه خانواده - جامعه المصطفی (ص) - دانشگاه مجازی المصطفی (ص) - قم

دانشگاه مجازی المصطفی (ص)

mailto:Mohammaddostmr@gmail.com (نویسنده مسئول)

تبلیغات حجیم و گسترده صهیونیست‌ها مبنی بر ضرورت بازگشت یهود به اورشلیم یا کوه "صهیون" برای خاتمه‌دادن به پراکندگی، زمینه اجتماع یهودیان در سرزمین فلسطین را فراهم نموده و از سال ۱۹۴۸ میلادی به اشغال زمین‌ها و کشتار و غارت فلسطینیان مشغول اند، ایشان با آهن و آتش، رژیم‌های را که بر تبعیض‌نژادی استوار است بر این سرزمین تحمیل کرده است. در طول این مدت، روزبه‌روز چنگال زیاده‌خواهی، انحصارطلبی، تجاوز، ظلم و نسل‌کشی این رژیم غاصب تیزتر شده و نسبت به مردم ستم‌دیده فلسطین رذالت و وحشی‌گری خود را بیشتر نشان داده و با محاصره و آزار دائمی میلیون‌ها نفر از ساکنان اصلی آن اعم از مسلمانان و مسیحیان سعی در وادار کردن آن‌ها به آوارگی، مهاجرت اجباری، رها کردن خاک و سرزمین و آرمان‌های خود دارد، تا بخش بیشتری از سرزمین‌های اشغالی را به چنگ آورد.

مبانی نظری دولت صهیونیسم در تبعیض‌نژادی، خودبرترینی، تحقیر کرامت غیر یهود، محافظت از خود به هر قیمت و توجیه اخلاقی هر عمل ضد اخلاقی است. با این منطق‌نمای نامطبوع توانسته بومیان را در زندان بزرگ فلسطین گرفتار کرده و از حقوق و نیازهای اولیه انسانی اولیه مانند امنیت، آب، برق و ارتباطات محروم کند و قتل کودکان، زنان، بی‌پناهان و دیگران را با بهانه «عملیات پیشگیرانه» توجیه نماید!

رسمیت‌یافتن کشور اسرائیل در خاک فلسطین که نقطه اتصال آفریقا و آسیا به شمار می‌رفت، در سایه‌ی تبانی شبکه‌های ماسونی با دولت‌های زورگوی انگلیس، آمریکا و شوروی بوده، زیرا وجود اسرائیل می‌توانست استیلای غرب و دیده‌بانی مدیترانه، دریای سرخ و خاورمیانه را برای استعمارگران غرب میسر سازد. رژیم خون‌آشام صهیونیستی برای توجیه چنین آپارتاید سیاسی و جلوگیری از بیداری افکار عمومی جهان، خود را در پشت نقاب "هولوکاست" و مظلومیتی که با بزرگ‌نمایی جنایات هیتلر نسبت به یهودیان صورت گرفته، پنهان کند!

از زمان اشغال فلسطین تاکنون همه این جنایات و فجایع انسانی در مقابل چشم جهانیان و با حمایت قدرت‌های بزرگ جهانی اتفاق افتاده است و نهادهای بین‌المللی هم نسبت به این نقض آشکار حقوق انسانی عکس‌العمل مناسبی نشان نداده‌اند.

قضیه فلسطین مهم‌ترین مساله امت اسلام و از معدود چالش‌های حل نشده بشریت است، که ظرفیت جهانی جمع شدن و بسیج عمومی در جامعه اسلام را داشته و دارد. هرچند از همان ابتدا گروه‌های بسیاری از یهودیان، مسیحیان و مسلمانان به مخالفت با شر مطلق صهیونیسم پرداخته‌اند، اما اگر مقاومت و خیزش فلسطینیان نبود، چه بسا امروز دیگر کشورهای اسلامی نیز تحت سیطره این رژیم قرار داشته و معلوم نبود، با راهبرد شوم دست اندازی به نیل تا فرات، چه بر سر اسلام و مسلمانان می‌آمد.

ایستادگی طولانی مدت یک جامعه، امری تصادفی نیست. مقاومت کم‌نظیر غرورآفرین و پربهای مردم فلسطین، در میانه فشارهای جهانی و تحریم‌های مختلف هوایی و زمینی و دریایی و با تحمل جنگ‌های پیاپی، با وجود همه تفرقه امت اسلامی و خیانت حکمرانان کشورهای اسلامی برای افتادن در دام عادی سازی روابط با اسرائیل، وجدان بشریت را هدف گرفته و بسیاری را بیدار کرده است.

ارتباطات مجازی راه را برای درهم شکستن قدرت پوشالی امپراتوری رسانه‌ای صهیونیست‌ها هموارتر کرده، به گونه‌ای که حتی با مظلوم‌نمایی، انکار، تحریف و سانسورهای موجود در شبکه‌های اجتماعی و خبری هم، نتوانسته افکار عمومی جهان را نسبت به این لکه‌نگِ بشریت توجیه کرد.

در کنار فقه‌های اهل سنت، فقه‌های آگاه و روشن‌بین شیعه، با استشهاد به کلام امیرالمومنین؛ «كُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»، از پیشگامان بیداری مسلمانان در برابر ظلم صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی بوده‌اند که با زبان و قلم، از مبارزه مردم ستم‌دیده فلسطین برای به دست آوردن حقوق از دست رفته خود، جانبداری کرده‌اند و با تمسک به قواعدی مثل "قاعده احترام مسلم، تجنب از فساد، قاعده نفی سبیل، قاعده الزام، دفاع از امت اسلامی، جهاد ذبی برای دفاع از کیان اسلام، ممنوعیت غصب سرزمین و وجوب مبارزه با متجاوزان زمین و لزوم دفاع از مظلوم، مقابله با دفع ضررِ محتملِ توسعه‌طلبی ایدئولوژیک صهیونیسم"، فتاوی آشکار و صریحی درباره، کمک به فلسطین را واجب شرعی شمرده و کشته شدن در راه آزادی

بیت‌المقدس را شهادت در راه خدا محسوب کرده‌اند. بازشناسی سیره فقه‌های شیعه تأثیرات بسیاری بر تجلی تمام‌نمای باور به راه جهاد ایجاد و مسلمانان را شیفته ضرورت وحدت امت اسلامی می‌نماید. اکنون به بررسی تاریخچه مواضع فقه‌های بزرگ شیعه درباره فلسطین می‌پردازیم.

شرف‌الدین

علامه سید شرف‌الدین عاملی که مرد میدان گفتگوهای مذهبی بود و تفرقه میان مذاهب اسلامی را موجب عقب افتادگی مسلمانان و سلطه کفار بر سرزمین‌ها و جوامع اسلامی می‌دانست؛ از نخستین فقه‌هایی بود که قبل از تشکیل حکومت اسرائیل، ضمن اظهار نگرانی شدید از روند مهاجرت یهودیان به فلسطین، دولت انگلیس را مسئول این بحران خطرناک می‌دانست که تصمیم گرفته بود با استفاده از خلاء فروپاشی دولت عثمانی، پای استواری برای منافع خود در قلب جهان اسلام ایجاد کند. سید شرف‌الدین از دولت‌های جهان خواست که با اعتراض و فشار به بریتانیا جلو پیش‌روی صهیونیست‌ها را بگیرند. به همین جهت، همواره خطر یهودیان صهیونیست در مقابل فلسطین را هشدار می‌داد (رضوی، ۱۳۸۱: ۶).

جالب است که در همین ایام در حالی که هنوز حدود ۲۶ سال بعد، رژیم غاصب اسرائیل حکومت تشکیل داد، یعنی دقیقاً در ۵ مهرماه ۱۳۰۱ شمسی (۶ صفر ۱۳۴۱ قمری) هیئت علمیه تهران، از جمله پسران سربدار مشروطه، آقاضیاء الدین و میرزا هادی نوری، فرزندان آیت الله شیخ فضل‌الله نوری، عموم مسلمین را به خروش در برابر استعمارگران دعوت کرده و یکی از کهن‌ترین بیانیه‌های سیاسی روحانیت شیعه، با امضای ۲۵ تن از علما از جمله برخی هواداران آیت الله شیخ فضل‌الله نوری، وجوب دفاع مسلمین از فلسطین در برابر یهودی‌سازی و لزوم برخورد قانونی با نویسنده مقاله در روزنامه یهودی حییم (منتشر شده توسط یهودیان تهران)، به جهت دفاع از اشغال سرزمین فلسطین؛ به شرح زیر صادر شد:

سیره فقه‌های شیعه در دفاع از فلسطین/ ۱۳۳

ناله‌های جانسوز و استغاثه‌های دل شکاف مسلمانان فلسطین، محیط اسلام را مبدل به ماتمکده ساخته است. ملت ذلیل یهود در مقام محاربه، مشغول تشکیل حکومت مستقل در فلسطین است و یکی از مطبوعات تهران با آنان همکاری می‌کند (رجبی، ۱۴۰۱: ۴۵۵-۴۵۷/۱).

کاشف الغطاء

آیت‌الله کاشف الغطاء از مراجع بزرگ شیعه نیز قبل از آغاز تأسیس رژیم اسرائیل، نسبت به این مسئله هشدار داده، سفرهای فراوانی به کشورهای اسلامی داشت و با دیدار با صاحب‌نظران تلاش داشت امواج بیداری و آگاهی اسلامی را نسبت به توطئه‌های غرب خروشان‌تر کند. در یکی از سفرهای تاریخی خود به فلسطین در سال ۱۳۵۰ هجری قمری، با سخنرانی موثر در همایشی که در شهر قدس به مناسبت میلاد پیامبر اسلام برگزار گردید، درباره علل انحطاط مسلمانان و ضرورت پرهیز از دوگانگی و خطر نوین جنبش صهیونیست برای تسلط بر جهان اسلام، سخن گفت و تصریح کرد: مسلمانان بیشترین رنج و شکنجه در دوران معاصر را از دولت‌های غربی متحمل شده‌اند و آنان مسئول جنایت‌های یهودیانند.

ایشان در سال ۱۳۵۷ قمری با صدور فتوا، اعلام جهاد جهانی برای نجات فلسطین کرد و وجدان‌های بیدار معتقدان به ادیان و انسان‌های دارای تفکر سالم را برای این جهاد فراخوان داد و در سال ۱۳۶۷ هجری قمری بعد از تشکیل دولت اسرائیل و شکست ارتش‌های عربی هم، با صراحت در برابر این فاجعه هولناک به مقابله پرداخت و زمامداران کشورهای اسلامی را به جرم کوتاهی در مبارزه و بسیج عمومی مردم محکوم و تأکید کرد: حاکمان در مبارزه با اسرائیل جدی نیستند و مسلمانان می‌بایست در سایه اتحاد داخلی با یهودیان مهاجر بچنگند و آنان را از سرزمین‌های اشغالی بیرون رانند.

ایشان دعوت نائب رئیس انجمن آمریکایی دوستداران خاورمیانه را برای شرکت در کنگره بررسی راه کارهای همکاری اسلام و مسیحیت در سال ۱۳۷۳ هجری قمری را رد کرد و طی نامه‌ای مشروح و سرگشاده به نام «الکلمه العلیا فی الاسلام لا فی بحمدون» تأکید کرد که:

"فتنه اصلی برای همه ادیان و مذاهب، آمریکا و غرب است نه الحاد شرق. امروزه این امریکا و یهودیانند که مسلمانان را می‌کشند و منابع اقتصادی آنان را غارت می‌کنند، و تشکیل چنین مجالسی برای روپوش نهادن بر جنایات‌های اسرائیل است، نه جلوگیری از الحاد مارکسیسم. به خدا سوگند اگر خبرهایی که از خونریزی در فلسطین و به آتش کشیدن خانه‌ها و روستاهای آن سرزمین را درباره وحشی‌های آفریقا یا بربرهای سودان شنیده بودیم، وظیفه انسانی و شرعی مان ایجاب می‌نمود تا تمام نیروی خود را برای جلوگیری از این توحش به کار بندیم. اکنون، وظیفه‌مان در قبال برادران دینی و هم‌زبانان مان چیست؟ اکنون آنچه واجب است اقدام عملی در راستای تحقق آزادی فلسطین است. اگر زعمای اسلام پایبند عهدشان با خدا بودند و تلاششان را می‌کردند، مشکل تا الآن به بهترین شکل ممکن حل شده بود. اگر صاحب‌منصبان دینی در مصر و جاهای دیگر صادقانه بپا می‌خاستند و فریاد بر می‌آوردند اثر بلیغ خود را گذاشته بود... مسأله فلسطین در حال حاضر مهم‌ترین مسأله جهان اسلام است و از هر امری جز آن باید فارغ بود (رضوی، ۱۳۸۱: ۷).

ایشان در حکمی معروف این گونه بیان می‌دارد: "هرکس می‌تواند شخصاً به مجاهدان فلسطین ملحق شود، باید به آنان بپیوندد و من اطمینان می‌دهم که او در ردیف مجاهدین بدر در کنار پیامبر (ص) است و هر کس نیز نمی‌تواند ملحق شود، باید آنان را با مال خویش کمک نماید و هر کس که نسبت به هیچ یک از این‌ها توانایی ندارد، بر او واجب است که با زبان و قلم و تلاش تا سر حد امکان، کوشش و مساعدت نماید و این کم‌ترین مرتبه این تکلیف الهی است" (ورعی، ۱۳۸۲: ص ۶۸).

شیخ عبدالکریم زنجانی

آیت الله شیخ عبدالکریم زنجانی از بزرگان نجف، از دیگر فقهای بود که در راه بیداری و اتحاد مسلمانان و دفاع از فلسطین سفرهای زیادی به کشورهای اسلامی داشت. ایشان که دوری و بی

سیره فقه‌های شیعه در دفاع از فلسطین/ ۱۳۵

خبری مسلمانان از احوال یکدیگر را عامل اصلی شکست مسلمانان از بیگانگان می‌شمرد، برای آگاهی از سرزمین‌های اسلامی و دیدار با علما و سیاستمداران جهان اسلام سفرهای گوناگون به هند و سوریه و مصر و فلسطین انجام داد.

ایشان در سال ۱۳۵۵ قمری به دعوت سیدامین حسینی مفتی فلسطین به آنجا سفر کرد و با استقبال گرم مردم و علمای قدس روبرو شد. در آن روزها یهود و بریتانیا در آغاز کار بودند و مهاجران یهودی گروه گروه از نقاط گوناگون جهان به ویژه اروپا به این سرزمین می‌آمدند و با نظم و ارباب، در زمین‌های مسلمانان ساکن می‌شدند. شیخ عبدالکریم با تیزی خطر ایشان را برای فلسطینیان گوشزد کرد و تصریح کرد: اینان در صورت تسلط بر مردم، میزبانان راز خانه بیرون خواهند راند. وی هشدار داد که وسوسه‌های دولت بریتانیا برای مشارکت و زیست مسالمت آمیز یهودیان با مسلمانان و تشکیل دولت مشترک، فریبی بیش نیست و مردم می‌بایست از آغاز، راه را بر خطر ببندند.

ایشان با بیان آیه‌های قرآن و روایت‌های پیشوایان دین در پیروزی حتمی حقیقت و پیروزی مسلمانان بر یهودیان، شعله‌هایی از امید و مقاومت در دل‌های افسرده مسلمانان فلسطین برافروخت و بشارت داد که در سایه همدلی و پشتیبانی دیگر مسلمانان خواهند توانست در برابر متجاوزان بایستند. سخنان شورانگیز و آتشین ایشان با استقبال مفتی فلسطین مواجه شد به گونه‌ای که بعد از سخنرانی ایشان گفت: «سود این درس شما در مسجدالاقصی برای فلسطین و عرب و مسلمانان، بهتر از صدهزار سپاهی آماده کارزار بود.»

هرچند شیخ عبدالکریم زنجانی پس از سخنرانی‌های روشنگر در مصر و فلسطین و دمشق در ضرورت اتحاد اسلامی، متهم به سنی‌گری شد، اما در روشن کردن چهره واقعی اهل بیت اهتمام داشت. او در یک سخنرانی تاریخی در جامع اموی، فضائل اهل بیت را شرح کرد و فضائلی را که در پیرامون معاویه در میان اهل سنت رواج دارد، بی اساس و غیرمستند خواند، و در مظلومیت امامان شیعه نکته‌ها گفت. تاثیر این سخنرانی‌ها چنان بود که پس از آن تقیه از شیعه در دمشق برداشته شد و اهل تسنن در مجالس عزاداری امام حسین شرکت کردند و جشن‌های

عیدی که به مناسبت سال نو در اول محرم برگزار می‌شد، لغو گردید. رئیس جمهور سوریه متعهد شد حقوق شیعیان را پاس دارد؛ راه زینبیه آباد گردید و تعمیر مرقد مطهر حضرت زینب شروع گردید (رضوی، ۱۳۸۱: ۷).

شیخ عبدالکریم حائری

شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم در زمانی بود که زمزمه شکل‌گیری یک تشکل یهودی در دنیا علنی نشده بود و حتی بسیاری از سیاستون و متفکران جهان عرب نیز از این موضوع بی‌اطلاع بودند. واکنش ایشان به تصمیم دولت انگلیس در الحاق کشور فلسطین به مستعمرات خود و اعطای این سرزمین به یهودیان و دولت صهیونیست با واکنش قاطع ایشان روبرو شد.

ایشان در دی ۱۳۱۲ شمسی (۱۹۳۳ میلادی) که انگلیس با حمایت از صهیونیست‌ها و سرکوب مسلمانان، زمین‌های فلسطینیان را از دست آنان خارج و به یهودیان مهاجر واگذار می‌کرد، در نامه‌ای به رضاخان از او می‌خواهد در مورد هجوم یهودیان به فلسطین و بیت المقدس عکس‌العملی داشته باشد.

متن تلگراف آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی به رضاخان چنین است: «امروزه مسلمین در این هجوم یهود به فلسطین و بیت‌المقدس مستغیث به آن یگانه حامی است و چشم همگی به الطاف خاصه ملوکانه است. امید به اعانت پروردگار جل و علا این غایله مهم با توجهات خاصه مرتفع، موجب مزید دعاگویی این ضعیف و عامه مسلمین گردد. الاحقر عبدالکریم حائری».

آیت‌الله حائری این نامه را خطاب به رضاخان به عنوان رئیس یک دولت اسلامی نوشت و از وی خواست از بعد بین‌المللی از مردم فلسطین حمایت کند. آیت‌الله حائری به خوبی می‌دانست که در این قضیه از مردم، به ویژه آنانی که در بهت و ترس از استبداد رضاخانی به سر می‌برند کاری ساخته نیست و این مسئله، امری دیپلماتیک است. از سویی دیگر ممکن بود نامه آیت‌الله

حائری خطاب به مردم، تبدیل به بهانه‌ای شود تا رضا شاه مؤسس حوزه را متهم به برهم زدن نظم عمومی و اخلال در امنیت جامعه نماید!

آیت‌الله حائری در حالی آگاه به خطر اشغال سرزمین فلسطین شد که تقریباً هیچ رسانه‌ای در ایران وجود نداشت که به این مسئله بپردازد. چه آن‌که چند نشریه محدود نیز در تسلط قدرت رضاخان بودند و اجازه انتشار مطالبی در این موضوع را نداشتند. حتی تلگراف نیز که تنها وسیله ارتباط سریع بین شهرها بود تحت نظر دولت قرار داشت و اجازه ارسال حتی یک تلگراف در این خصوص را نداشت. از سوی دیگر شاهد سکوت بسیاری از علمای کشورهای عربی که از نزدیک شاهد ماجرا بودند، هستیم که حتی ده‌ها سال بعد از اشغال فلسطین، یا به جهت بی‌اطلاعی و یا خوف از دولت‌های خود، لب به اعتراض نگشودند. از این رو می‌توان گفت برغم نبود اطلاع‌رسانی دقیق و پل ارتباطی میان قم و کشورهای خارج در آن زمان، آیت‌الله حائری به خوبی اهمیت ماجرا را دریافت و با تحلیل و تصمیمی دقیق توانست بینش سیاسی و واقع‌نگر خود را در خصوص مسئله فلسطین نشان دهد.

هرچند رضاشاه درج نامه آیت‌الله حائری در جراید را، تهدید منافع انگلیس دانست و رد کرد، اما تلاش‌های ایشان بنیاد آگاهی و مخالفت علمای شیعی در ایران با اشغال سرزمین‌های فلسطین و ماهیت رژیم صهیونیستی را بنا نهاد. چنان‌که علمای حوزه عملیه و متدینان و روشن‌فکران متعهد، بعد از وی با تأسی از حرکت آیت‌الله حائری، خطر رژیم صهیونیستی را احساس کرده و همواره به طرق مختلف به مخالفت و مبارزه با آن پرداختند (رضوی، ۱۳۸۱: ۷).

نقل شده در زمان جنگ‌شش روزه اعراب و اسرائیل، آیت‌الله میرزا جواد تهرانی در سر درس خود گفته بودند: کاش در صحرای سینا بودم و حداقل خاک کفش سربازان مسلمان مصری را پاک می‌کردم!

آیت الله بروجردی

پس از آیت الله حائری یزدی، روند جانبداری از رزمندگان فلسطین در میان حوزه‌های شیعی سیر صعودی به خود گرفت و گویندگان و نویسندگان حوزه در آگاه کردن مردم از ستمی که بر این خطه از سرزمین اسلام می‌رفت، بر دامنه فعالیت خود افزودند، از جمله هواداران جدی مسئله فلسطین، آیت‌الله سید حسین بروجردی (ره) مرجع بزرگ شیعیان که عموماً در مسائل سیاسی ورود نمی‌نمود، به دلیل اهمیت موضوع، در همه مراحل جنبش فلسطین از آن حمایت کرده، از هیچ کمکی در تایید و پیشبرد آن دریغ نکرد. چنان که یک ماه پس از تأسیس اسرائیل در تاریخ ۱۳۲۷/۳/۹ بیانیه‌ای تاریخی در محکومیت جنایت‌های دولت اشغالگر قدس صادر نمودند و از مسلمانان ایران و جهان دعوت کردند که افزون بر کمک به مسلمانان، در مجالس دعا و نیایش از یهودیان اشغالگر اعلان برائت و بیزاری نمایند و علیه اشغالگران نفرین و برای پیروزی مسلمانان در جنگ علیه اسرائیل دعا کنند.

بخشی از بیانیه‌ای با این مضمون صادر شده بود: "خدایا از تو یاری مسلمانان را می‌خواهیم، دشمنان آنان را ذلیل و خوار بدار و از برادران مسلمان ایران و سایر ممالک، انتظار داریم مجتمع شوند و در حق یهود نفرین نمایند و در حق برادران مسلمان ما دعا کنند تا در این میدان جنگ، فاتح و پیروز گردند".

در سال ۱۳۳۵ شمسی در اوج جنگ اعراب و اسرائیل که کشورهای اسلامی نیازمند وحدت بودند، فردی از علما را تحریک کردند که در شهرهای ایران، مسایل اختلافی میان شیعه و سنی را مطرح کند. آیت الله بروجردی متوجه حساسیت زمان گردیده و طرح این مباحث را در آن موقعیت، به صلاح مسلمانان ندانسته و در برابر آن موضع‌گیری کرد و فرمود: چرا این آقا نمی‌داند که در این موقع که جنگ اعراب و اسرائیل است، نباید این مسایل را مطرح کرد. آن هم نه مسئله بحث علمی، بلکه مسئله بد گفتن به یکدیگر» (رضوی، ۱۳۸۱: ۸).

آیت الله حکیم

آیت الله سید محسن حکیم مانند سلف صالح خود به مساله فلسطین اهتمام ویژه‌ای داشتند و با ارسال گروه علمی به کنفرانسها و پاسخ استفتائات همواره تاییدگر مجاهدات فلسطینیان و در خط مبارزه با اسرائیل قرار داشتند. ایشان در سال ۱۹۴۸ میلادی (۱۳۲۷ شمسی) نامه‌ای به سازمان ملل متحد نوشت و در آن از عملکرد سازمان ملل در تأیید کشور اسرائیل اعلام انزجار کرد. ایشان مسلمانان و دولت‌های سرزمین‌های اسلامی را به وحدت و فراموشی اختلافات در مقابل اسرائیل، دعوت کرد.

آیت الله حکیم در حساس‌ترین مراحل تاریخ فلسطین، هیاتی را به کنفرانس اسلامی در عمان در تاریخ ۱۹۶۷/۱۰/۲۰ میلادی (۱۳۴۶ شمسی) اعزام داشت و پیامی کتبی به این کنفرانس فرستاد. در این پیام مشروح، ضمن تأکید بر وحدت اسلامی، مسلمان نمایانی را که به دروغ ادعای اسلام کرده و با دشمنان استعمارگر همکاری می‌کنند را، یکی از عوامل شکست مسلمانان شمرده و از زمامداران و توده‌های مسلمان خواست که به سوی خداوند بازگردند و اساس زندگی خود را بر پایه‌های تعالیم و قوانین اسلامی استوار سازند و شرایط اجتماعی و داخلی خود را برابر دستورات اسلامی شکل دهند که تنها در سایه بازگشت به اسلام، ذلت و خواری از بین رفته و شکست به پیروزی تبدیل خواهد گشت. ایشان از زمامداران و مسئولان خواست که به پیروزی و آزادی همه مناطق اشغالی بیندیشند و طرح‌های سازشکارانه دولت‌های غربی را نپذیرند و افزود:

«مسئله فلسطین و به ویژه مسئله بیت المقدس یک مسئله اسلامی است و روی همین اصل، مسئولیت‌های امروز متوجه همه توده‌های مسلمان به ویژه زمامداران، در هر رنگ و زبان و لباسی که هستند، می‌باشد و بدون شک تاریخ و مردم مسلمان جهان در آینده، قضاوت و داوری خود را درباره آنها، اعم از عرب و غیرعرب، بر اساس . . . مقدار و اندازه استقامت و مقاومتی که در جهاد آزادی نخستین قبله مسلمانان و بیرون راندن نیروهای اشغالگر از سرزمین‌های پاک اسلامی ما از خود نشان دهند، مورد تایید نسلهای آینده خواهد بود. اکنون که

جهاد مسلمانان با یهودیان صهیونیست شروع شده است، همدستی کافی و کامل باید بکنند و به دشمن اسلام مهلت ندهند که برادران آنان را مورد قتل و غارت قرار دهند. خدای متعال با ماست و باید جهاد را تعمیم دهیم."

ایشان پس از نبرد کرامه در اردن ۱۳۸۸ قمری (۱۹۶۸ میلادی)، در پاسخ استفتائاتی درباره کمک به نهضت مقاومت فلسطین، این چنین کمک به رزمندگان را واجب شمرد: «اگر کسی بتواند به این نهضت بپیوندد و قدرت داشته باشد که در عملیات آنها شرکت کند و همکاری مزبور تحت رهبری صحیحی انجام پذیرد و عملی به زیان مسلمانان انجام ندهد، این کار بر او واجب است».

همچنین در پاسخ به این سؤال که «به نظر حضرت عالی اگر سرباز یا فدایی مسلمانی که وضع نماز و روزه او مشکوک است، در هنگام جهاد با اسرائیل کشته شود، با توجه به این که اسرائیل متجاوز است و اراضی مسلمانان و اماکن مقدسه آنان را اشغال نموده است، آیا چنین فردی در نزد خداوند شهید محسوب می شود یا نه؟» نوشت: «اگر این چنین شخص به قصد پیروزی مسلمانان و به نیت تقرب به خداوند تبارک و تعالی، اقدام کند، اگر کشته شود شهید خواهد بود».

ایشان در پاسخ این سؤال که وضع کسانی که با وجود ثروتمندی، در راه نجات فلسطین از ثروت خود چیزی انفاق نمی کنند، فرمود: «بدون شک اگر امید پیروزی باشد و این امر منوط به بذل مال باشد و او بذل نکند، نزد خداوند گناهکار محسوب می شود» (رضوی، ۱۳۸۱: ۸).

آیت الله سید محسن حکیم، در کنار فقهای تراز اول نجف اشرف مانند آیت الله سید ابوالقاسم خوئی، امام خمینی، آیت الله سید عبدالله شیرازی، آیت الله سید محمود شاهرودی، آیت الله کاشف الغطاء، آیت الله شیخ عبدالکریم زنجانی، آیت الله سید محمد مهدی شیرازی، آیت الله سید محمد علی حنّامی در سال ۱۹۶۸ میلادی با ارسال بیانیه ای ضمن حمایت از موضع ضد صهیونیستی عبدالرحمن عارف رئیس جمهور وقت عراق، مسلمانان را به جهاد مقدس علیه

سیره فقه‌های شیعه در دفاع از فلسطین/ ۱۴۱

صهیونیست‌ها برای بازپس‌گیری وطن سلب شده و مقدسات اسلامی در فلسطین دعوت کردند.

چنان‌که در سال ۱۳۹۴ قمری (۱۹۷۳ میلادی) نیز آیات عظام: سید ابوالقاسم خویی، سید علی حسینی سیستانی، سید محمدباقر صدر، سید نصرالله مستنبط، سید عبدالرزاق حبوبی، شیخ محمدتقی جواهری، در صحن حرم امیرالمومنین در اعتراض به جنایات رژیم صهیونیستی و گلایه از کشتار مردم فلسطین گردهمایی تشکیل دادند که رویه ضد اسرائیلی مرجعیت شیعه را نشان می‌دهد.

امام خمینی

امام خمینی توجه جهان اسلام را به قبله اول مسلمانان؛ فلسطین جلب کرد و مشکل فلسطین را ریشه تمام مشکلات جهان اسلام و آرمان قدس را بالاترین آرمان اسلامی دانست، که همه ملت‌ها و حاکمان باید آن را در صدر مسائل و برنامه‌هایشان قرار دهند. امام خمینی پس از رحلت آیت الله بروجردی، موضع‌گیری‌های خود، علیه صهیونیسم و اسرائیل را علنی‌تر کردند.

نامه امام خمینی در اردیبهشت ۱۳۴۲ شمسی: «خطر اسرائیل برای اسلام و ایران بسیار نزدیک است. لازم است علمای اعلام و خطبای محترم سایر طبقات را آگاه فرمایند که در موقعش بتوانیم جلوگیری کنیم. با سکوت و کناره‌گیری همه چیز را از دست خواهیم داد» (۰۱/۰۲/۱۳۴۲).

ایشان در خرداد ۱۳۴۲ ش و در سخنرانی معروف خود در روز عاشورا، علیه جنایت‌های هولناک اسرائیل سخنرانی‌های افشاگرانه‌ای ایراد کرده و مردم را به جهاد و مبارزه علیه اسرائیل خواند کرده و شاه را در همراه بودن با آنان مورد مذمت قرار داد. ایشان در اعتراض‌های مکرر، انگشت اتهام خود را به سوی دولت‌های جانبدار اسرائیل نشانه رفت، و خدمات دو جانبه اسرائیل و شاه را برای مردم آشکار ساخت و به مردم ایران اعلام داشت که شاه ایران به پایگاه پشتیبانی نظامی و اقتصادی رژیم اسرائیل تبدیل شده و به همراه دیگر رهبران خیانتکار عرب، مانند ملک حسین و ملک حسن، از اشغالگران جانبداری می‌کند. نخستین کار دولت‌های اسلامی برای پایان

بخشیدن به جنایت‌های اسرائیل، قطع همه روابط اقتصادی و سیاسی به ویژه نفروختن نفت به این کشور است.

در یکی از اعلامیه‌های امام خمینی چنین آمده: «اسرائیل به کمک استعمار، قیام مسلحانه بر ضد ممالک اسلامی نموده است و بر دول اسلامی قلع و قمع آن لازم است. کمک به اسرائیل چه فروش اسلحه و مواد منفجره و چه فروش نفت، حرام و مخالفت با اسلام است. رابطه با اسرائیل و عمال آن، چه رابطه تجاری و چه رابطه سیاسی، حرام و مخالفت با اسلام است و باید مسلمین از استعمال امتعه و اجناس اسرائیل خودداری کنند».

پس از کوتاهی کشورهای اسلامی در جنگ شش روزه با اسرائیل در سال ۱۳۴۶ شمسی (۱۹۶۷ میلادی)، که به یورش همه جانبه اسرائیل و تصرف بخش‌هایی از مصر و سوریه و اردن، از جمله بیت المقدس و بیت اللحم، انجامید و مهلتی شد برای قدرت‌نمایی‌های بعدی اسرائیل؛ حوزه‌های شیعه ایران و عراق و دیگر نقاط جهان به جانبداری از مقاومت فلسطین برخاستند و فریاد اعتراض خود به روند سازشکاری و جانبداری ابرقدرت‌ها به ویژه سازمان ملل از اشغالگران را به گوش جهانیان رسانیدند.

در این دوران که امت اسلامی از هر زمان دیگر بیشتر نیازمند وحدت بود، حامیان اسرائیل برای دور کردن مسلمانان از یاری مظلومان فلسطینی، به تحریک احساسات شیعیان و اهل سنت پرداختند. دست استعمار از آستین وهابیت بیرون آمد و کتاب «الخطوط العریضه» از سوی عوامل آنان منتشر شد تا افزون بر محو زحمات وحدت طلبانه آیت الله بروجردی و شیخ محمود شلتوت، جامعه شیعه را از کمک به مبارزان فلسطینی باز دارد. در این کتاب، تهمت‌های ناروا به شیعیان زده و آنان را غیرمسلمان و بدعت‌گزار نامیده بود. خصوصاً که این اثر وحدت‌شکن در سطح گسترده‌ای در میان حجاج منتشر شد. امام خمینی در این موقعیت، هشیارانه وارد عمل شده و در بیانیه‌ای روشن‌گرانه زائران خانه خدا را به ضرورت همگرایی مسلمانان در آن شرایط سفارش کرد و به سران کشورهای اسلامی هشدار داد اگر به اسلام

برگردند، این گونه به ذلت دچار نمی‌شوند و مشکل فلسطین، معلول دوگانگی بین مسلمانان است.

امام با اشاره به فعالیت‌های مرموزانه فرهنگی ایادی غرب در ایام حج نوشت: «در این اجتماع بزرگ حج که باید به نفع اسلام و مسلمین بهره برداری شود، با کمال تأسف دیده می‌شود که بعضی قلم‌های مسموم عمال استعمار برای تفرقه صفوف مسلمین سال‌ها است که بر خلاف مقاصد صاحب وحی در مرکز وحی، اوراقی را به اسم الخطوط العریضه و امثال آن نشر می‌دهند و به مستعمرین کمک می‌نمایند و می‌خواهند با دروغ و افترا یک جمعیت قریب به صد و پنجاه میلیون نفری را از صفوف مسلمین جدا کنند» (۱۸/۱۱/۱۳۴۹).

پس از تشدید مقاومت فلسطین و نبردهای کشورهای اسلامی با اسرائیل و مطالبه امام مبنی بر تحریم نفتی اسرائیل و قطع روابط دیپلماتیک ایران با این کشور و همچنین تاکید ایشان بر این که یکی از عوامل مخالفت ایشان با شاه، ارتباط او با اسرائیل است، تلاش شد با القای شبهه ناصبی بودن فلسطینی‌ها، فضا را برای مبارزات ضد صهیونیستی شیعیان ببندند.

این شایعات به ویژه بعد از فتوایی که امام خمینی در سال ۱۳۴۷ در پاسخ به نماینده گروه الفتح دادند، بیشتر مطرح شد. در پاسخ به این استفتا امام اجازه استفاده مقداری از وجوهات شرعی را به مقدار کافی در راه مبارزه با اسرائیل به مجاهدان فلسطینی می‌دهند. در حالی که نامه‌های امام در هنگام دادن اجازه مصرف وجوهات به وکلای شرعی ایشان نشانگر اوج تقوا و احتیاط فقهی امام می‌باشد، اما مبارزه با اسرائیل آنقدر مهم و ضروری است که امام با تمام احتیاط و تقوایشان، به گروهی (جنش فتح) که در مبارزه در راه آزادی فلسطین، گرایش ناسیونالیستی و نه اسلامی دارد، در مبارزه با این رژیم اجازه مصرف وجوهات شرعی را می‌دهد:

"اکیداً شایسته بلکه واجب است که قسمتی از وجوه شرعی مانند زکات و سهم امام به مقدار کافی به این مجاهدان راه خدا اختصاص یابد. به مجاهدانی که در صفوف نبرد و فداکاری به منظور از بین بردن صهیونیسم کافر ضد بشر می‌جنگند و برای احیا و بازگرداندن مجد و شرف اسلامی از دست رفته می‌کوشند و برای گرامیداشت تاریخ شریف اسلام نبرد می‌کنند و بر هر

مسلمانی که به خدا و روز جزا ایمان دارد واجب است که تمامی قوا و نیروی خود را در این راه به کار برد و سرانجام به اخْدَى الْحُسْنَيْنِ شهادت یا پیروزی دست یابد و بر شماس است که برای خونخواهی و زدودن لکه ننگ به خط آتش روی آورید و به یاری خداوند به پیروزی درخشانی که در انتظار شما است دست یابید و به مؤمنان آزاده بشارت دهید که خداوند پشتیبان هر اراده مردانه و حق طلبانه است."

"راه اساسی این است که مردم مسلمان ایران داد و ستد خود را با ایادی صهیونیسم و دیگر عوامل استعمار که در ایران هستند قطع کنند و از لحاظ مادی و روحی آنان را در فشار بگذارند و تمام روزه‌های حیاتی را بر آنان تنگ سازند و خلاصه علیه آنان به نبرد اقتصادی دست بزنند و نیز در دیگر زمینه‌ها با آنان مبارزه کنند تا سرانجام مجبور شوند کلیه روابط خود را با ایران و خلق مسلمان آن قطع نمایند و در نتیجه ملت ایران بتواند همه امکانات مادی و معنوی خود را در اختیار مجاهدان فلسطین بگذارند."

امام در فتوایی دیگر افزودند: «دولت غاصب اسرائیل با هدف هایی که دارد، برای اسلام و ممالک مسلمین خطر عظیم دارد و خوف آن است که اگر مسلمین به آنها مهلت دهند، فرصت از دست برود و جلوگیری از آنها امکان پذیر نشود و چون احتمال خطر متوجه به اساس اسلام است، لازم است بر دول اسلامی به خصوص و به سایر مسلمین عموماً که دفع این ماده فساد را به هر نحو که امکان دارد بنمایند و از کمک به مدافعین کوتاهی نکنند و جایز است از محل زکوات و سایر صدقات در این امر مهم حیاتی صرف نمایند».

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، فضا جهت حمایت از فلسطین را آماده‌تر کرد، تاکید امام بر مساله فلسطین و معرفی اسرائیل به عنوان "غده سرطانی" شوری جدید در جامعه اسلامی ایجاد نمود، خصوصاً که ابتکار تعیین جمعه‌ی پایانی ماه مبارک رمضان به عنوان «روز جهانی قدس»، برای همبستگی جهان اسلام و کل آزادی خواهان دنیا در جهت پاسداشت آرمان مردم ستمدیده فلسطین، کابوس همیشگی برای سران صهیونیست ایجاد نمود.

امام خمینی که مهلت دادن به اسرائیل را، اشتباه مسلمانان می‌دانستند، تا آخر حیاتشان، هیچ‌گاه از قضیه فلسطین چشم‌پوشی نکردند، تاکید کردند: «هیچ امری را بر مسلمانان واجب‌تر از این نمی‌دانم که با جان و مال خویش، هنگامی که می‌بیند خون‌های برادران و خواهران بی‌گناه شما در سرزمین مقدس فلسطین جاری است و هنگامی که مشاهده می‌کنید زمین‌های ما (اسلام) دست به صهیونیست‌های تبهکار، ویران گشته، در این شرایط هیچ راهی جز ادامه جهاد نمی‌ماند، بر همه مسلمانان واجب است که کمک‌های مادی و معنوی خود را در این جهاد مقدس صرف کنند و خداوند پشتیبان این اراده است».

امام با برشمردن شیوه و تفکر و عملکرد صهیونیست‌ها این نکته را یادآور شدند که اگر جلوی پیشروی اسرائیل گرفته نشود، افزون طلبی صهیونیست‌ها سبب می‌شود که همه کشورهای اسلامی را به خود ضمیمه کند و به سرنوشت فلسطین اشغالی دچار گردند.

امام با تاکید بر حذف اسرائیل؛ «اسرائیل باید از بین برود»، نشان داد منطق مبارزه و مقاومت تنها راه حل پیروزی فلسطین است، از این رو مجاهدان مسلمان و انقلابی فلسطین، به الهام‌گیری از انقلاب اسلامی ایران ترغیب شدند تا هسته‌های مقاومت را به وجود آورند، به گونه‌ای که آرزوی اسرائیل برای تسخیر نیل تا فرات را به چالش کشاند.

امام خمینی در برابر ناامیدسازی و القای شبهه عدم ضرورت کمک به فلسطین در شرایطی که ملت و جوانان ایران این همه مشکل، تاکید کردند: «دفاع از فلسطین نه تنها وظیفه‌ای است اسلامی که وظیفه‌ای است انسانی. آنان ستم‌دیده‌اند و دفاع ما از لبنانی‌ها و فلسطینی‌ها دفاع از مظلوم است و این اقدامی است خردمندانه و منطقی».

امام خمینی درد اصلی امت اسلام را تجاهل حاکمان اسلامی به آرمان فلسطین دانسته و تاکید کردند: «برای من یک مطلب به شکل معماست و آن این است که همه دول اسلامی و ملت‌های اسلامی می‌دانند که درد چیست و می‌دانند که دست‌های اجانب در بین است تا این‌ها را از هم متفرق کند، می‌بینند که با این تفرقه‌ها ضعف و نابودی نصیب آنها می‌شود، می‌بینند که یک دولت پوشالی اسرائیل در مقابل مسلمین ایستاده؛ اگر همه مسلمانان جمع شوند و هر کدام یک

سطل آب بریزند اسرائیل را آب می برد. معذک در مقابل او زیون هستند. چرا به علاج واقعی که اتحاد و اتفاق است روی نمی‌آورند؟ چرا توطئه‌هایی که استعمارگرها برای تضعیف آنها استفاده می‌کنند خنثی نمی‌کنند؟» (۲۵/۱۰/۱۳۵۸).

مراجع تقلید شیعه

دیگر مراجع تقلید شیعه نیز با استدلال به روایات اخوت اسلامی و دفاع مسلمان از مسلمان، بدون در نظر گرفتن اختلافات در مذهب، بیانیه‌های پرشور و دشمن شکنی در جانبداری از مسلمانان فلسطین صادر کرده و با ستایش همیاری شیعیان با فلسطینی‌ها پرچمدار مبارزه با اسرائیل بودند. ایشان با صدور حکم، بیانیه، تدوین کتاب و سخنرانی با محکوم کردن تجاوزات رژیم صهیونیستی به کشورهای اسلامی از عموم مسلمانان خواسته‌اند تا به یاری مسلمانان مظلوم فلسطین و بشتابند و بر عدم تعامل با اسرائیل اهتمام داشته باشند. برای مثال، در بسیاری از رسائل توضیح المسائل فقهای شیعه در باب معاملات، بر عدم جواز خرید و فروش کالاها و تجارت با دشمنان مسلمانان تأکید شده و از اسرائیل به عنوان شاهد مثال موضوع یاد شده است. آیت الله خوئی که مرجعیت بین‌المللی داشت، در حمایت از فلسطین چنین بیانیه‌ای داد: نیروهای کافر به بخش بزرگی از سرزمین‌های اسلامی از جمله مسجدالاقصی هجوم آورده‌اند و مسلمانان در طول سال‌های گذشته متحمل رنج‌هایی شده‌اند و در ماه مبارک رمضان با استعانت از خداوند متعال، عزم خود را جزم کرده‌اند برای دفاع از سرزمینشان. خداوند می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» پس تکلیف دینی ما را موظف می‌کند به وحدت کلمه و حمایت از مدافعین سرزمین‌های اسلامی با کمک‌های لازم. از خداوند متعال می‌خواهیم که تلاش‌های آنان را ختم به موفقیت کند و آنها را بر دشمنان‌شان پیروز کند.

آیت الله میلانی در اعلامیه خود، پس از یادآوری آیاتی چند درباره فتنه انگیزی یهودیان و سابقه زشت نیاکان آنان در شرارت و دنیامداری، در ضرورت مبارزه با آنان و کمک به محرومان

فلسطینی به حدیث مشهوری نبوی: من اصبح و لم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم «هر کس صبح کند و به سرنوشت مسلمانان اهتمام نرزد مسلمان نیست» استدلال کرد. آیت الله مرعشی نجفی مبارزه در راه آزادی سرزمین قدس را از واجبات شرعی برای همه مسلمانان و کشته شدن در این راه را شهادت شمرده. ایشان در یک اقدام عملی، شماره حسابی را در بانک صادرات قم افتتاح کرد و از مردم خواست که کمک های مالی خود را برای آوارگان فلسطین بدان واریز کنند. چنان‌که علامه طباطبایی با مشارکت شهید مطهری و آیت الله سید ابوالفضل زنجانی نیز شماره حساب‌هایی را در چند بانک تهران به این مناسبت افتتاح کرده و به رغم ممانعت ساواک از فرستادن این پول، مبالغ جمع آوری شده توسط شهید محلاتی در مکه به فلسطینیان تحویل داده شد.

آیت الله سیدعبدالله شیرازی، افزون بر استشهاد به آیات قرآن، در وجوب نبرد با اسرائیل و آزادی سرزمین های غصب شده، به سیره امام علی در جانبداری از مظلومان و ستمدیدگان استدلال کرد و با اشاره به ماجرای هجوم لشکریان معاویه به انبار و کشتن مردم و غارت بی گناهان و ربودن خلخال از پای زنی یهودیه، نوشت: «حضرت امیرالمؤمنین می‌فرماید: خلخال از پای یک زن که در ذمه اسلام بود، لشکر دشمن بیرون آورده. اگر مسلمانی از این غصه بمیرد، جا دارد و نباید آن را ملامت کرد».

آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی تعامل اقتصادی با اسرائیل را منع کرده و فتوای صریح دادند: هرگونه تعامل اقتصادی، هر گونه رابطه‌ی تجاری با این رژیم مطلقاً حرام است.

آیت الله روحانی در مصاحبه تاریخی با یکی از نشریات خبری عرب زبان؛ به نام "الانباء" تاکید می‌کند: پیمان کمپ دیوید ضد اسلام است. هدف این پیمان، تقویت اسرائیل است. این پیمان بر خلاف دستورات اسلامی است. مساله فلسطین، مساله تمام مسلمانان است، و ما همیشه از آن دفاع کرده ایم. باید برای آزادی قدس و فلسطین بجنگیم. من همیشه برای احقاق حقوق ملت فلسطین دعا می‌کنم. باید پرسید این تعداد یهودیان اندک چگونه می‌خواهند بر یک میلیارد مسلمان پیروز شوند؟ مسلمانان می‌بایست با قدرت، سرزمین فلسطین را به صاحبان حقیقی

آن، بازگردانند. من از همین جا، مسلمانان را به اتحاد با یکدیگر فرا می‌خوانم و از آنان می‌خواهم به ریسمان الهی چنگ زنند و پراکنده نشوند. جنگ اکتبر ۱۹۷۳ میلادی، نشان داد که اتحاد و همبستگی چه نتیجه‌ای می‌تواند داشته باشد. استعمارگران پس از این جنگ متوجه شدند که اتحاد مسلمانان با یکدیگر تا چه حد اهمیت دارد... حمایت عملی از فلسطین تقویت مظلوم و تضعیف ظالم است (رضوی، ۱۳۸۱: ۸).

آیت الله سیستانی ضمن دفاع از فلسطین در دیدار پاپ، در بیانیه‌های مختلف، همه جهانیان را به ایستادگی در برابر اسرائیل فراخواندند: همه جهان باید در مقابل این توحش شدید بایستند و مانع از زیاده‌روی نیروهای اشغالگر در اجرای طرح‌هایشان برای آزار و اذیت بیشتر مردم مظلوم و ستمدیده فلسطین شوند. پایان دادن به تراژدی این مردم عزیز با تحقق حقوق مشروع‌شان و برچیدن اشغالگری از اراضی غصب شده تنها راه برای برقراری امنیت و صلح در این منطقه است و بدون تحقق این امر، مقاومت در برابر متجاوزان ادامه خواهد داشت و چرخه خشونت همچنان جان‌های بی‌گناه بیشتری را به کام مرگ خواهد کشاند (۱۴۰۲/۰۷/۱۹؛ ۲۵ ربیع الاول ۱۴۴۵ قمری).

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در این مورد معتقدند: "رژیم اسرائیل شرورترین و جنایت‌کارترین رژیم در تاریخ است... علمای اسلام بلکه علمای همه مذاهب جهان در اینجا وظیفه سنگینی بر عهده دارند. باید دست به دست یکدیگر دهند و پیروان خود را در برابر این جانیان روزگار بسیج کنند و تشویق به ادامه این راه کنند" (۱۳۸۹/۰۳/۱۲).

آیت الله خامنه‌ای

راهبرد آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، در جایگاه ولی فقیه و رهبری انقلاب اسلامی و به عنوان تعیین‌کننده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ دفاع صریح از مقاومت ملت فلسطین و دعوت به تقویت عناصر مبارز داخل فلسطین می‌باشد.

ایشان مساله فلسطین را مسئله‌ی اوّل دنیای اسلام (۱۳۹۳/۰۶/۱۶) و روز قدس را یکی از جلوه‌های حقیقی اتحاد و انسجام دنیای اسلام دانسته اند (۱۳۸۷/۰۷/۱۰) و مردم فلسطین را

مظلوم‌ترین مردم می‌دانند و تصریح کرده اند: «در تاریخ اخیر دنیا هیچ ملّتی از ملّت‌های اسلامی با دشمنی مثل دشمنی که فلسطینی‌ها امروز با آن مواجه هستند مواجه نبوده؛ دشمنی با این شرارت، با این خباثت، با این بی‌رحمی، با این خونخواری، هرگز در مواجهه با ملّت‌های اسلامی و کشورهای اسلامی نبوده. هیچ ملّتی از ملّت‌های مسلمان، مثل ملّت فلسطین، در فشار، در محاصره، در کمبود قرار نداشته و ندارد؛ نه امروز در دنیا سراغ داریم، نه در این برهه‌ای که حالا جلوی چشم ما است سراغ داریم» (۱۸/۰۷/۱۴۰۲). اسرائیل نه يك کشور که پایگاه تروریستی علیه ملت‌های مسلمان است (۱۷/۰۲/۱۴۰۰). تنها راه‌حلّ مسأله فلسطین این است که مردم واقعی فلسطین چه آنهایی که در داخل فلسطین ماندند، چه آنهایی که در بیرون فلسطین هستند، خود نظام حاکم بر کشورشان را تعیین کنند (۱۴/۰۳/۱۳۸۱).

ایشان که ایمان کامل به وعده نصرت الهی را، مهم‌ترین رکن ساخت انسان، جامعه و تمدن نوین اسلامی می‌دانند، با امیدآفرینی در جامعه اسلامی، انگیزه و اعتماد به نفس مضاعفی به نسل جوان در فلسطین داده‌اند، تا آزادی قدس را نه تنها ممکن بلکه نزدیک بدانند. به گونه‌ای که امروز سلاح مردم و مجاهدان فلسطین فراتر از سنگ و چوب رفته و به موشک و پهباد دسترسی پیدا کرده‌اند. چنان‌که تاکید کردند: شهر مقدّس بیت‌المقدّس پایتخت فلسطین و قبله‌ی اوّل مسلمانها برای مسلمانها باقی خواهد ماند (۲۵/۴/۱۳۹۷). ویروس صهیونیسم بی‌گمان از منطقه ریشه‌کن خواهد شد. رژیم غاصب، رفتنی است. امروز نهضت فلسطین از همیشه سرحال‌تر و آماده‌تر است و ان‌شاءالله این نهضت به نتیجه خواهد رسید و همان‌طور که امام بزرگوار از رژیم غاصب به «سرطان» تعبیر کردند، حتماً این سرطان به فضل الهی به دست خود مردم فلسطین و نیروهای مقاومت در کلّ منطقه ریشه‌کن خواهد شد؛ ان‌شاءالله» (۱۴۰۲/۰۷/۱۱). ما یقین داریم با ادامه‌ی مبارزات مردم مسلمان فلسطین و حمایت جهان اسلام، فلسطین به فضل الهی آزاد می‌شود و بیت‌المقدس و مسجدالاقصى و سایر نقاط آن سرزمین اسلامی به آغوش جهان اسلام باز می‌گردد؛ ان‌شالله (۰۴/۰۲/۱۳۸۰). جنگ ۳۳ روزه‌ی لبنان و جنگ‌های ۲۲ روزه، ۸ روزه و ۵۱ روزه در غزه، همگی صفحات درخشانی از

کارنامه‌ی مقاومت است که موجب افتخار تمام ملت‌های منطقه، جهان اسلام و همه‌ی انسانهای آزادی‌خواه جهان است (۰۳/۱۲/۱۳۹۵).

ایشان که راه‌حل فلسطین را نابودی رژیم اسرائیل می‌دانند (۲۸/۰۵/۱۳۷۰)، معتقدند: هر قدر مقاومت و ایستادگی ملت فلسطین در مناطق مختلف بیشتر شود، رژیم جعلی ضعیف‌تر خواهد شد (۰۲/۰۲/۱۴۰۲). از این رو مبارزه مسلحانه با رژیم صهیونیستی را دنبال نموده و تاکید کرده اند: کرانه‌ی باختری هم باید مثل غزه مسلح بشود و آماده‌ی دفاع باشد (۰۴/۰۹/۱۳۹۳).

ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود تاکید کردند: "برای مواجهه با ظلم فجیعی که این روزها نسبت به مردم فلسطین اعمال می‌شود، دو راه علاج اجتناب‌ناپذیر است و باید همه آن را قبول کنند و از این دو راه بروند: راه اول، ادامه انتفاضه و ایستادگی مردم فلسطین است... و راه دوم، حمایت‌هاست، همه دنیا باید از این‌ها حمایت کنند" (۱۱/۰۲/۱۳۸۱). دنیای اسلام یکسره در برابر قضیه‌ی فلسطین، مسئول و دارای تکلیف دینی است. دولت‌های مسلمان باید در پشتیبانی از ملت فلسطین صادقانه وارد میدان شوند، چه در تقویت نظامی، چه در پشتیبانی مالی که امروز بیش از گذشته مورد نیاز است، و چه در بازسازی زیرساختها و ویرانی‌ها در غزه (۳۱/۰۲/۱۴۰۰).

ایشان که سیاست عمده‌ی استکبار و صهیونیسم را، کمرنگ کردن مسئله‌ی فلسطین در ذهنیت جوامع مسلمان و به سمت فراموشی‌راندن آن می‌دانند (۰۲/۰۳/۱۳۹۹)، حمایت از فلسطین را واجب دانسته و تصریح کردند: هر جا هر ملتی، هر گروهی با رژیم صهیونیستی مبارزه کند، مقابله کند، ما پشت سرش هستیم و کمکش می‌کنیم و هیچ ابائی هم از گفتن این حرف نداریم (۱۴/۱۱/۱۳۹۰).

آیت‌الله خامنه‌ای، قدرت بازدارندگی رژیم صهیونیستی را رو به پایان دانسته و تصریح کرده‌اند: چندین دهه قبل بن‌گورین از مؤسسين رژیم جعلی گفته بود هر وقت قدرت بازدارندگی ما پایان یابد، ما مضمحل می‌شویم و اکنون دنیا شاهد این واقعیت است و اگر اتفاقی رخ ندهد، پایان

رژیم غاصب نزدیک است که این هم از برکات فداکاری جوانان فداکار فلسطینی در کرانه باختری و دیگر مناطق اشغالی است.

ایشان در واکنش به مظلوم‌نمایی رسانه‌ای صهیونیست‌ها تصریح کردند: «هیچ کس نمی‌تواند از این هیولای دیوسیرت چهره یک مظلوم بسازد.» (۱۴۰۲/۰۷/۱۸). وقتی ظلم و جنایت از حد گذشت، وقتی درنده‌خویی به نهایت رسید، باید منتظر طوفان بود. شما با ملت فلسطین چه کردید؟ اقدام شجاعانه و در عین حال فداکارانه‌ی فلسطینی‌ها پاسخ به جنایت دشمن غاصب بود که سالها ادامه داشت و در ماه‌های اخیر شدت آن افزایش پیدا کرده بود؛ مقصّر دولت کنونی حاکم بر رژیم غاصب صهیونیستی است... ای ستمگران صهیونیست! مقصّر خود شما هستید؛ عامل این طوفان خود شما هستید؛ خودتان بلا را به سر خودتان آوردید (۱۸/۰۷/۱۴۰۲).

شایان ذکر است که مواضع آیت الله خامنه‌ای در کتابی با عنوان "فلسطین از منظر مقام معظم رهبری" جمع‌آوری شده که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، در ۹ مهر ۱۳۹۴ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در میان سخنانش نسخه‌ای از این کتاب را به حضار نشان داده و از نمایندگان دولت‌های حاضر در مجمع عمومی سازمان ملل خواست نسبت به سخنان رهبر ایران علیه اسرائیل واکنش نشان دهند.

نتیجه

مسئله فلسطین همواره در رأس بحران‌های حیثیتی و حیاتی امت اسلامی، بلکه رکورددار طولانی‌ترین چالش بین‌المللی و سیاسی مطرح در سطح جهان بوده و در مقابل رژیم نژادپرست صهیونیستی عامل اصلی بحران‌های جهان اسلام بوده است.

هرچند برای منزوی کردن حرکت مبارزان فلسطینی و جداکردن امت از مردم زندانی فلسطین، ترفندهای گوناگونی مانند ایجاد جنگ روانی و رواج شایعات بی‌اساس مذهبی و سیاسی به کارگرفته شد، مثل این که: فلسطینی‌ها را ناصبی و دشمن اهل بیت قلمداد کرده و شیعیان مدافع فلسطین را متهم به سنی‌گری کرده و با ترور شخصیت، جایگاه اجتماعی و مذهبی ایشان را در

میان مردم خدشه‌دار می‌کردند. اما مرجعیت شیعه همواره پیشگام و پرچمدار حمایت عمیق از مبارزات آزادی‌بخش بوده‌اند، تا فلسطین را از انزوا خارج کرده و آتش مبارزه را روشن نگه دارند. ایشان در سخت‌ترین شرایط، با اتخاذ رویکردهای محکمی هرگز نگذاشتند مساله فلسطین فراموش شود و با توجه دادن به آن از منظر اسلامی و انسانی، در قالب مجلس بزرگداشت شهدای فلسطین، صدور بیانیه محکومیت حملات رژیم اشغالگر به فلسطینی‌ها، بیانیه محکومیت ترور رهبران فلسطین، اعلام حمایت از آوارگان فلسطینی و ممنوعیت تعرض به آنها، اختصاص یک سوم یا نصف سهم امام (خمس) به فلسطین، محکومیت تلاش رژیم برای اشغال بخش‌های دیگری از فلسطین، تأکید بر حقوق ملت فلسطین و محکومیت اشغالگری، بیانیه محکومیت تصمیم آمریکا در خصوص پذیرش قدس به عنوان پایتخت رژیم اسرائیل، از دفاع مشروع و شجاعانه آنان حمایت قاطع کرده و جامعه جهانی را نسبت به وحشی‌گری‌های رژیم غاصب صهیونیستی در برابر مردم فلسطین بیدار کرده و آنان را به پشتیبانی مادی و معنوی از مردم فلسطین در بازپس‌گیری حقوق سلب شده‌شان فرا خوانده‌اند. که اعلامیه‌ها و مجالس متنوع فقهی نجف، قم، مشهد و... در دفتر تاریخ و آلبوم تصاویر این حوزه‌ها ثبت است و برگ درخشانی از تأثیرگذاری ایشان در آزاده‌گان جهان است.

مرجعیت شیعه همواره تصریح کرده‌اند؛ مشکل فلسطین با اتحاد عملی همه مسلمان‌ها برطرف خواهد شد، از این‌رو تأکید کرده‌اند مسلمانان اجازه ندهند، بحران‌های ساختگی عوامل نفوذی، آنان را از وحدت دور کند. ایشان به جامعه جهانی خصوصاً حاکمان مسلمان هشدار داده‌اند که اگر مقابل وحشی‌گری‌های صهیونیست‌ها، قد علم نکنند، شریک جرم ایشان بوده و باید در آینده زیر بار آثار جمعی قانون‌گریزی‌های آن، کمر خم کنند.

به چالش کشیدن تصویر انسان‌دوستانه غرب توسط فقه‌های مسلمان، هم‌پستگی گسترده‌ای در میان گروه‌های اسلامی در نقاط مختلف دنیا به وجود آورده، و اغلب پذیرفته‌اند مسئله فلسطین مسئله‌ی اول مسلمان‌هاست. به گونه‌ای که اسرائیلی که روزگاری جهان عرب را با پیروزی‌هایش

سیره فقهای شیعه در دفاع از فلسطین/ ۱۵۳

تحقیر کرده بود، اکنون با شکست‌های پی‌پی از گروه‌های کوچک مبارز، بسیار تحقیر شده است.

تمسک به آیه (۱۳۹ آل عمران)، آینده درخشانی برای آزادی فلسطین توسط جامعه اسلامی نوید می‌دهد، آنجا که خداوند پس از شکست مسلمین در جنگ احد بشارت می‌دهد: سستی به خرج ندهید. محزون نشوید، اراده‌ی خدا بر این است که اگر ایمان محکمی داشته باشید، دست برتر داشته باشید؛ «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ».

منابع

۱. قرآن کریم
۲. امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۵). صحیفه‌ی امام. قم؛ انتشارات: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام
۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای.
۴. رجبی، محمدحسن (۱۴۰۱). گزیده ادبیات مقاومت علمای شیعه، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۵. رضوی، سید عباس (۱۳۸۱). علمای شیعه و حمایت فقهی و سیاسی از فلسطین، پگاه حوزه، شماره ۷۸.
۶. ورعی، سیدجواد (۱۳۸۲). مبانی فقهی دفاع از سرزمین‌های اسلامی، مجله حکومت اسلامی، دوره ۸، شماره ۲۸.